عکس: AP

۱۰۰ روزگی دولت تدبیر و امید

تمرکز توان در دیپلماسی

علی ذهابی

۲۴ خرداد ۱۳۹۲، ساعت کمی از شش بعد از ظهر گذشته است، وزیر کشور دولت محمود احمدی‌نژاد اعلام کرد حسن روحانی با بیش از ۵۰درصد آرا پیروز یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری شده است. «شیخ دیپلمات» حالا رییس‌جمهور شده است. انگار دروتخته با هم جور درآمده چراکه ایران در یکی از پرچالش‌ترین دوران خود از نظر سیاست خارجی به‌سر می‌برد و تحریم‌های شدید، مشکلات جدی برای کشور ایجاد کرده است و تا رفع تمام مشکلات دولت راهی بسیار طولانی در پیش دارد.

نگاهی به کارنامه دیپلماسی دولت سه دور مذاکره طولانی و پرامید را نشان می‌دهد. دور اول مذاکرات پرانرژی و بانشاط برگزار شد تا طرفین با اصرار تمام خواستار ادامه این مذاکرات باشند. دور دوم در حالی ادامه یافت که برخلاف انتظارها وزرای خارجه گروه ۱+۵ برای حضور در مذاکرات خود را به ژنو رساندند. مذاکرات سخت و نفسگیر «ژنو ۲» البته تا پای توافقنامه هم رفت، هر چند به دلیل مخالفت‌های فرانسه به نتیجه نرسید اما همانجا قرار ۱۰روز دیگر برای از سرگیری مذاکرات گذاشته شد؛ «ژنو ۳». این اولین بار پس از ۱۰سال بود که مذاکرات در سطح وزرای خارجه برگزار می‌شد؛ اتفاقی که البته در دور سوم مذاکرات همان‌طور نابهنگام به وقوع پیوست. هرچند این نکته را نباید فراموش کرد که مذاکرات جدی ایران با گروه ۱+۵ موجب توقف تحریم‌ها شده است و همین یعنی یک گام به پیش. اینطور که از عزم دولت تدبیر و امید پیداست، روند مذاکرات ادامه دارد؛ مذاکراتی که هرچه جلو می‌رویم طرفین بر حل دیپلماتیک آن تاکید می‌کنند. پس از این باید دید تدبیر دولت اعتدالگرا برای حفظ امید ایجادشده در دل مردم چه خواهد بود.

روحانی پیش‌تر دولت خود را در کارزار انتخابات، «تدبیر و امید» نام نهاده بود؛ نامی متناسب با شرایط داخلی و البته خارجی. امید برای مردمی که مدیریت حاکم بر کشور آنها را سخت به زحمت انداخته است و تدبیر برای کشوری که چالش‌های زیادی را سر راه خود می‌بیند؛ چالش‌هایی که در حوزه سیاست خارجی کم نیستند.

دولت تدبیر و امید در اولین گام محمدجواد ظریف را به‌عنوان وزیر امور خارجه انتخاب کرد و او توانست با آرایی قابل‌قبول از مجلس اصولگرا رای اعتماد بگیرد. انتخابی که این روزها به نظر می‌رسد بهترین انتخاب بوده است؛ دیپلماتی که «کیسینجر» وزیر امور خارجه اسبق آمریکا او را «دشمن قابل احترام» خوانده بود.

حالا در صدروزگی دولت هوای دیپلماسی کشور هم کمی «معتدل» شده است. رییس‌جمهوری دیپلمات در اولین اقدام مسوولیت مذاکرات هسته‌ای را از شورایعالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه انتقال داد؛ این اولین گام او برای تاکیدش بر حل سریع مساله پرونده هسته‌ای ایران بود. استفاده از فضای به دست‌آمده از نشست عمومی سازمان‌ملل که هر ساله در نیویورک برگزار می‌شود هم گام بعدی و البته تاثیرگذار او برای اعلام تعامل با جهان و البته بحث بر سر پرونده هسته‌ای ایران بود.

ظریف در حاشیه نشست نیویورک مذاکرات را با ۱+۵ استارت زد. گفت‌وگو با وزرای خارجه پنج‌عضو دایم شورای امنیت سازمان‌ملل و آلمان فرصتی برای نشان‌دادن عزم جدی دولت تازه ایران برای حل مشکلات هسته‌ای بود.

از سویی سخنرانی حسن روحانی در این مجمع فرصتی برای تغییر نگاه جهان به ایران ایجاد کرد؛ فرصتی که البته می‌توان از آن برای حل مشکلات میان ایران و آمریکا هم یاد کرد. رییس‌جمهوری در سخنرانی خود مشخصا اعلام کرد برای کاهش تنش‌ها میان ایران و آمریکا «من سخنان امروز پرزیدنت اوباما را با دقت دنبال کردم؛ در صورت عزم سیاسی رهبران آمریکا و خودداری از دنبال‌کردن منافع گروه‌های فشار جنگ‌طلب، می‌توان به چارچوبی برای مدیریت اختلافات رسید. در این چارچوب موضع برابر، احترام متقابل و اصول مسلم شناخته‌شده بین‌المللی باید مبنا باشد؛ البته در این زمینه انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است.» حالا باید دید کلید روحانی می‌تواند در بسته روابط دو کشور را به روی هم باز کند یا خیر؟ اما در پایان سفر رییس‌جمهوری به نیویورک اتفاقی بی‌سابقه افتاد؛ باراک اوباما و حسن روحانی در تماسی تلفنی با هم گفت‌وگو کردند.

اوباما به رییس‌جمهوری ایران گفته بود: «من احترام خود را به شما و مردم ایران ابراز می‌دارم. معتقدم روابط بین ایران و ایالات متحده، تاثیر عمیقی بر منطقه خواهد داشت. اگر ما بتوانیم در موضوع هسته‌ای به پیشرفت دست یابیم، مسایل دیگر و از جمله سوریه به نحو مثبتی تاثیر خواهد پذیرفت.»

روحانی هم به اوباما گفته بود: «در موضوع هسته‌ای به شرط وجود اراده سیاسی، راهی سریع برای حل مساله وجود دارد. ما در مورد آنچه از ۱+۵ و به‌طور خاص دولت شما در هفته‌های آینده خواهیم دید، امیدواریم.»

شماره کاخ سفید حالا روی گوشی تلفن‌همراه رییس‌جمهوری ایران افتاده؛ اتفاقی که موجب امیدها و عصبانیت‌های بسیاری در داخل و خارج شد. پس از آن بحث‌های زیادی در مورد از سرگیری روابط میان ایران و آمریکا مطرح شد؛ از طرح این موضوع در برنامه‌های ورزشی برای استفاده از دیپلماسی ورزش گرفته تا خبر تشکیل «گروه دوستی پارلمانی ایران و آمریکا» که از سوی محمدرضا

حالا در صدروزگی دولت هوای دیپلماسی کشور هم کمی «معتدل» شده است. رییس‌جمهوری دیپلمات در اولین اقدام مسوولیت مذاکرات هسته‌ای را از شورایعالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه انتقال داد؛ این اولین گام او برای تاکیدش بر حل سریع مساله پرونده هسته‌ای ایران بود. استفاده از فضای به دست‌آمده از نشست عمومی سازمان‌ملل که هر ساله در نیویورک برگزار می‌شود هم گام بعدی و البته تاثیرگذار او برای اعلام تعامل با جهان و البته بحث بر سر پرونده هسته‌ای ایران بود.

باهنر، نایب‌رییس مجلس شورای اسلامی مطرح شد. باهنر گفته بود: «تشکیل گروه دوستی پارلمانی ایران و آمریکا خط قرمز نیست.»

باهنر در صحبت‌هایش عنوان کرده بود: «مقام‌معظم‌رهبری با ایجاد رابطه با آمریکا مخالف نیستند اما به آمریکایی‌ها بدبین‌اند.»

به نظر می‌رسد تاکید همواره آمریکایی‌ها بر استفاده از روش دیپلماسی برای حل مساله هسته‌ای ایران به نوعی تلاش برای نشان دادن حسن‌نیت آنها به مسوولان ایران است؛ حسن‌نیتی که مورد توجه روحانی هم هست. او در خلال مذاکرات ایران و ۱+۵ گفته بود: «ما همواره در مذاکرات خواهان آن بودیم که از طریق منطق، استدلال و مقررات بین‌المللی مسایل را حل‌وفصل کنیم. اگر بر فرض یک نگرانی منطقی وجود دارد، آن نگرانی باید از طریق مذاکره حل‌وفصل شود، ما در مذاکرات قبلی، حسن‌نیت خود را اثبات کرده‌ایم. مبنای ما این بوده که در این مذاکرات باید افق نهایی در پایان این مذاکرات از ابتدا چارچوبش مشخص باشد؛ طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی مبنایش این بوده است.»

حالا در صد روزگی دولت تدبیر و امید سه دور مذاکره سخت و نفس‌گیر میان تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران به سرپرستی محمدجواد ظریف و گروه ۱+۵ صورت می‌گیرد؛ مذاکراتی که امیدی تازه را در دل ایرانیان به وجود آورده است، این را می‌توان در پیگیری مردم از مذاکرات هسته‌ای فهمید.

روحانی در آغاز دور تازه مذاکرات گفت: «جمهوری‌اسلامی‌ایران از ابتدا مسیرش، مسیر منطق و حق‌خواهی بوده و هیچ‌گاه چیزی بیش از آن نبوده است. این دولت هم به وعده‌ای که از روز اول مبنی بر حرکت در مسیر تعامل سازنده با جهان به مردم داده عمل کرده و عمل خواهد کرد، اما درعین حال جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه حاضر نیست از حقوق حقه و از منافع ملی خود کوتاه بیاید، از خطوط قرمزی که نظام جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران ترسیم کردند از آنها عقب‌نشینی کند.» مذاکراتی که حسن روحانی معتقد است باید در یک بازه شش‌ماهه به نتیجه برسد. روحانی در این‌باره گفته بود: «هرچه سریع‌تر موضوع هسته‌ای ایران حل شود، برای همه بهتر است؛ اگر سه‌ماهه موضوع حل شود، این انتخاب ایران است، اگر به شش‌ماه هم کشید، باز هم خوب است، ولی صحبت از ماه است نه سال.»

مذاکراتی که البته مخالفانی هم در داخل و خارج دارد، بیلبوردهای صداقت آمریکایی نمونه‌ای از این مخالف‌خوانی‌ها است. بیلبوردهایی که عباس عراقچی در اعتراض به آنها گفته بود «کسی در زمان جنگ علیه رزمندگان پوستر نصب نمی‌کرد.» بیلبوردهایی که برخلاف واقعیت مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران را افرادی ساده‌لوح نشان می‌داد. تخریب‌ها همچنان ادامه داشت تا اینکه مقام‌معظم‌رهبری در یکی از سخنرانی‌ها آب پاکی را روی دست گروه‌های تندرو ریخت، ایشان در صحبت‌های‌شان تاکید کردند: «هیچ‌کس نباید مجموعه مذاکره‌کنندگان ما را سازشکار بداند، اینها بچه‌های خود ما و بچه‌های انقلابند. یک ماموریت سختی را برعهده دارند و هیچ‌کس نباید ماموری را که مشغول کاری است تضعیف کند.»

ایشان افزودند: «همان‌طور که در مشهد هم گفتم، به مذاکره خوشبین نیستم، ولی باذن‌الله از این مذاکرات ضرری هم نمی‌کنیم و این تجربه، ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد، اگر مذاکرات به نتیجه برسد که چه بهتر، ولی اگر نتیجه نگرفتند معنایش این باشد که کشور باید روی پای خودش بایستد.»

صد روز از تشکیل دولت تدبیر و امید می‌گذرد، دولتی که به راستی پیش از ۲۴ خرداد ۹۲ کمتر کسی فکر می‌کرد شکل‌گیری‌اش به واقعیت نزدیک باشد. حالا باید دید بازی برد - برد مورد نظر رییس‌جمهوری در روند مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ حاصل می‌شود یا خیر؟ هر چند روحانی همواره عنوان کرده: «موفقیت در این مذاکرات به نفع همه است. ما دنبال بازی برد- برد هستیم. در مذاکرات اگر کسی به‌دنبال راه‌حل تحمیلی باشد، باید بداند که هم مذاکرات ناموفق خواهد بود، هم نتیجه مذاکرات بادوام نخواهد بود. باید مذاکرات در چارچوب منطق و احترام متقابل و منافع متقابل باشد، مخصوصا این مذاکرات که برای یک دوره شش‌ماهه است اگر مذاکرات متعادل و معتدلی باشد و به نفع همه باشد، می‌تواند مبنایی باشد برای مذاکرات بلندمدت ما که آن مذاکرات بلندمدت می‌تواند منافع خودمان و منافع دیگران را هم انشاءالله تامین کند.»

حسن روحانی همچنین گفته بود: «ما همواره گفتیم برای مذاکره باید روی میز مذاکرات منطق و عقلانیت باشد، روی میز مذاکرات هیچ‌وقت باروت نمی‌تواند تاثیرگذار باشد، روی میز مذاکرات تهدید هیچ وقت نمی‌تواند تاثیرگذار باشد. مردم ما همیشه در برابر تهدید دیگران ایستادگی و مقاومت کرده‌اند، باز هم ایستادگی و مقاومت می‌کنند، اما درعین‌حال همواره در چارچوب منطق، آماده تعامل بوده‌اند و الان هم آماده تعامل هستند.»

حذف واسطه‌ها

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه*

به جرات می‌توان گفت ملموس‌ترین حوزه عملکرد و نقطه تمرکز دولت در صدروز نخست، حوزه سیاست خارجی بوده است. این سخن البته به معنای آن نیست که دولت در حوزه‌های دیگر عملکرد ضعیفی داشته است و بخواهیم منکر فعالیت در دیگر حوزه‌ها باشیم. به اعتقاد من دولت در برنامه سیاست خارجی خود در طول این صدروز سعی کرد مشکلات موجود را در دو فاز کلی طبقه‌بندی و سپس برای حل آنها چاره‌اندیشی کند. فاز نخست جلوگیری از افزایش بحران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ پیش از بر سرکار آمدن دولت جدید، ایران در منطقه با برخی کشورها دچار چالش شده بود و در سطح بین‌المللی نیز مذاکرات با کشورهای عضو گروه ۱+۵ با بن‌بست مواجه شده بود. باید به این نکته دقت داشت که با توجه به اینکه تصمیمات گروه ۱+۵ تا حدود زیادی تحت‌تاثیر آمریکاست، دولت آقای روحانی سعی کرد حتی‌الامکان مانع تاثیر منفی واشنگتن روی سایر بازیگران شود. یکی از کارهای خوب دولت این بود که واسطه‌ها را برداشت. در گذشته به‌گونه‌ای بود که پیام‌ها به زبان عبری و عربی ترجمه می‌شد و الان دوطرف بدون واسطه پیامشان را به‌هم می‌دهند. از سوی دیگر در این صدروز به‌طور بی‌سابقه، تحریم‌ها علیه ایران افزایش نیافت و سیاست ایران در تنش‌زدایی باعث شد تا سکه «ایران‌هراسی» تا حدودی از رواج بیفتد. واکنش‌های تند رژیم صهیونیستی و افزایش هراس تل‌آویو از توافق ایران و غرب، گواه خوبی بر این مدعا و نشانه کامیابی نسبی این سیاست است. دولت سعی کرد برای پرهیز از ورود به مباحث چالشی موضوعات را در چارچوب سیاست‌های نظام پیش ببرد. هرچند برخی مخالفت‌ها طبیعی است و به گمان من آنهایی که شعار مرگ بر آمریکا سر می‌دهند به‌نوعی «دادخواهی» می‌کنند و به رفتارهای غرب در قبال ایران اعتراض دارند. دولت تدبیر و امید در صدروز گذشته سیاست «اعلامی» را در پیش گرفته بود. در صدروز دوم انتظار می‌رود شاهد تحقق سیاست «اعمالی» و کاهش تحریم‌هاباشیم.

*** عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هفتم**

نگاه

بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های دولت برای دستیابی به منافع ملی

حدود و امکان دیپلماسی دولت اعتدال

سیداحمد میری*

هدف مقاله، بررسی «حدود» (محدودیت‌ها و موانع) و «امکان» (توانایی‌ها و ظرفیت‌ها)ی دولت ایران، برای دستیابی به منافع ملی است. نویسنده بر این باور است که برای رسیدن به منافع ملی در عرصه روابط بین‌الملل باید میان «آرمان» و «امکان»، تناسبی وجود داشته باشد، اگر در ابزار، امکانات و ظرفیت‌های یک کشور، با اهداف موردنظر رابطه‌ای متوازن نباشد، رسیدن به اهداف سیاست خارجی غیرممکن خواهد بود؛ زیرا سیاست، فنی است در تشخیص و اجرای کارهای شدنی، از اینکه در صدروز نخست روی‌کارآمدن دولت روحانی، مکالمه تلفنی دو رییس‌جمهوری و ملاقات دو وزیر امورخارجه ایران و آمریکا صورت می‌گیرد، همه نشان از خبرگی دیپلماسی دولت اعتدال است؛ اما «ضرورت»، «نیاز»، «اراده» جدی نخبگان و استقبال «محیط» داخلی و بین‌المللی، امید به رفع اختلافات در راستای منافع ملی مشترک را مضاعف کرده است؛ اما باید مواظب مخالفان این دیپلماسی بود.

سیاست «نرمش قهرمانانه» را می‌توان ایجاد تعادل میان حدود و امکان در سیاست خارجی دولت اعتدال دانست؛ زیرا به معنای حاکمیت «عقلانیت سیاسی» برای رفع حل‌وفصل اختلافات و تعامل به جای تعارض با غرب و در راستای منافع ملی است. اصولا سیاست خارجی یعنی مذاکره؛ یعنی تعامل برای حل منازعه جهت احقاق‌حقوق ملی یک کشور؛ نه به معنای تسلیم و قربانی‌کردن منافع ملی. تیم دیپلماسی کنونی؛ هنر حل منازعه ۳۴ساله با غرب را دارد؛ چون امروز نیز منافع مشترک فراوانی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای میان ایران و غرب به وجود آمده است؛ اما ایران قبل از هر اقدامی باید حدود و امکان سیاست خارجی خود را بشناسد؛ تا موفق به حل منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای و انرژی هسته‌شود.

۱- حدود چیست؟

حدود، قلمرویی است (به‌عنوان محدودیت از آن نام می‌برند) که دولت‌ها برای نیل به اهداف خود در صحنه بین‌الملل ناگزیر باید رعایت کنند و بیشتر از حدود خود، در صحنه بین‌الملل بازی نکنند، زیرا محدودیت، موانع و عوامل بازدارنده و تضاد منافع با قدرت‌های بزرگ مانع تحقق اهداف می‌شود. هر دولتی باید با توجه به منابع محدود خود، بازی کند. سیاستمدار موفق در عرصه بین‌الملل کسی است که میان «آرمان» و «امکان» درونی و بیرونی خود توازنی ایجاد کند؛ به این ترتیب، حدود حدفاصل میان «آغاز» و «پایان» سیاست خارجی یک دولت را مشخص می‌کند. محدودیت‌ها و چگونگی رسیدن به اهداف را در این فرآیند نشان می‌دهد. بنابراین حدود هر دولتی، میزان محدودیت، موانع، تنگناها و دشواری‌هایی است که سنجش و میزان موفقیت و ناکامی‌ها را در سیاست خارجی نشان می‌دهد.

دولت احمدی‌نژاد، فراتر از حدود خود وارد بازی نظام بین‌الملل شد زیرا تصور می‌کرد با حرکت‌های رادیکالی می‌تواند راه دستیابی به انرژی هسته‌ای را طی کند اما در روند حرکت، با مشکلات و موانع جدی مواجه شده است چون در میانه راه، با اضافه‌کردن بار اضافی، از جمله طرح هولوکاست، حملات تند به غرب، و ادبیات دیپلماسی خاص؛ روسیه، چین و حتی هند و کشورهای خلیج‌فارس را از ایران دور کرد. هرچه زمان می‌گذشت با رفتارهای غیرمتعارف دیپلماتیک؛ سخنان تند و رادیکالی، محدودیت‌های بیشتری را بر حدود سیاست خارجی تحمیل کرد و بهانه‌های متعدد به دست رقیب داد تا آنان با طرح «ایران‌هراسی» و «شیعه‌هراسی»، کشورهای همسایه را از ما جدا کنند که در نهایت منجر به تصویب چندین قطعنامه تحریمی از سوی سازمان‌های بین‌الملل و دول غربی شد و دولت روحانی میراث‌دار حدود بیشتری از دولت اصولگرا در عرصه سیاست خارجی شد.

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۷

۱۰۰روز کارنامه روحانی

مساله اختلافات بین نخبگان ابعاد آنقدر وسیعی کسب کرد که در تابستان سال ۲۰۱۱ رهبر عالی نظام به‌شدت مداخله کرده و برای اولین بار در طول تاریخ جمهوری‌اسلامی از یکی اختیارات خود بر اساس قانون اساسی استفاده کرده و به تشکیل یک ساختار جداگانه در داخل نظام اداری کشور مبادرت ورزیدند که آن کمیسیون ویژه‌ای «برای حل اختلافات و تنظیم روابط بین قوه‌های سه‌گانه» تحت ریاست آیت‌الله شاهرودی بود. ولی حسن روحانی مناقشه شدید بین نخبگان سیاسی قدیمی و جدید را به ارث برده و با توجه به این میراث دشوار مجبور است با دقت تمام موازنه نمایندگی این نخبگان در قوه‌مجریه را رعایت کند.

ایران به چه نوع دموکراسی احتیاج دارد؟

اگر تیترهای مقالات درباره انتخاب روحانی به مقام ریاست‌جمهوری را به خاطر آوریم، متوجه خواهیم شد که عمدتا ادعا می‌شد یک لیبرال در ایران به قدرت رسیده که از فردا به بازسازی نظام سیاسی جمهوری‌اسلامی‌ایران بر اساس برداشت‌های غربی از دموکراسی، حقوق‌بشر و آزادی‌های مدنی دست خواهد زد. این کار محال بود و طبیعتا اتفاق نیفتاد و به همین علت در تحلیل رسانه‌های گروهی غرب از صد روز اول حسن روحانی ناامیدی پنهان‌نشدنی مشاهده می‌شود. ما دلیلی نداریم که شریک این ناامیدی شویم زیرا نخبگان سیاسی ایران از دموکراسی و حقوق‌بشر برداشت خود را دارند. برای مسوولان جمهوری‌اسلامی این مساله که هر شهروند ایرانی در فیس‌بوک و توییتر اکانت داشته باشد یا بتواند در اینترنت از مقامات رسمی کشور ایراد بگیرد، مساله اصولی نیست. برای رییس‌جمهوری روحانی به مراتب مهم‌تر است که هر شهروند بتواند مسکن بخرد، حقوق شایسته‌ای داشته باشد و به آموزش و خدمات پزشکی در سطح استانداردهای جهانی دسترسی داشته باشد. بعد از آنکه مسایل اساسی ثبات اجتماعی و اقتصادی و امنیت اجتماعی حل شوند، می‌توان درباره دموکراسی و حقوق مکمل صحبت کرد. طبیعی است که حل و فصل این مسایل مستلزم کار موثر اقتصاد است که در این زمینه وضعیت پیچیده‌ای مشاهده می‌شود. البته اقتصاد ایران بر اثر تحریم‌ها از هم نپاشیده است. اصطلاح دقیق‌تر برای ارزیابی وضعیت کنونی اقتصادی ایران «انقباض» است ولی این انقباض تبعات حساس اجتماعی دارد. روحانی نیک می‌داند که تحریم‌ها به‌طور کامل مرتفع نخواهد شد و به همین علت بر لغو بخشی از رژیم تحریم‌ها تاکید می‌کند. امروزه او و تیم او به دنبال راه‌های «بهینه‌سازی» به‌کارگیری منابع داخلی برای ادامه توسعه می‌گردند. در اینجا یک نکته دیگر شایان ذکر است. بیکاری ایرانی‌ها در حد زیادی ماحصل واردات ارزانی بود که بر اثر درآمدهای فوق‌العاده از محل صدور مواد خام به کشور سرازیر شد. تحریم‌ها علاوه بر تبعات دیگر، نقش داروی تلخ و ناگوار ولی مفیدی را ایفا کرد که به نفع تولیدکننده داخلی ایرانی تمام شد. از تجزیه و تحلیل ساختار تحریم‌ها بر می‌آید تحریم‌های اخیر که نظام بانکی، خودروسازی و کشتی‌سازی را هدف قرار دادند، فقط ناشی از آن است که ایران نه‌تنها تسلیم نشده بلکه تولیدات داخلی خود را توسعه می‌دهد. البته اوضاع دور از ایده‌آل است و مساله پرداخت وام‌ها به شرکت‌های کوچک و متوسط بسیار حاد است. برنامه دولتی پرداخت اعتبارات برای ایجاد فرصت‌های شغلی که در کنار یارانه‌های اجتماعی موجب افزایش بدهی داخلی شد، زیر علامت سوال است. ولی بعضی گام‌های روحانی در این جهت امید به بهبود اوضاع را می‌دهد.

نقاب‌برداری در ملأعام

روزنامه‌نگاران و مفسران نزدیک بود جنبه‌های خارجی فعالیت روحانی طی صد روز اول ریاست‌جمهوری را زیر ذره‌بین گذاشته و مطالعه کنند. در این مورد مطالب زیادی نوشته شده و تکرار نکات اساسی مانند پیشرفت در روابط با ایالات متحده، تغییر مواضع بعضی کشورهای اتحادیه اروپا و تشکیل ائتلاف‌های جدید ضد ایرانی ظاهرا معنی ندارد. ولی دو نتیجه فعالیت «شیخ دیپلماسی» در صحنه بین‌المللی نباید ناگفته بماند. اولا، روحانی موفق شد نهایتا چهره واقعی بازیگران اساسی ائتلاف ضدایرانی را برملا کرده و نشان دهد که هدف واقعی آنها نه پیشگیری از «تهدید هسته‌ای» تخیلی از سوی جمهوری‌اسلامی بلکه سرنگونی نظام فعلی است. ایران را تا شش ماه پیش به بی‌میلی به همکاری در زمینه کنترل برنامه هسته‌ای متهم می‌کردند و بی‌وقفه تکرار می‌کردند که تحریم‌ها فقط برای «وادار کردن ایران به مذاکرات سازنده» اعمال شده است. روحانی با اجازه و به دستور رهبر عالی نظام گام‌های به قدری بلندی برداشت که یک کشور مستقل که حق آن برای پژوهش‌های هسته‌ای در پیمان‌نامه عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای قید شده است، می‌تواند بر دارد. ایرانیان می‌گویند: «بازرسی می‌خواهید؟ دسترسی به واحدهای هسته‌ای ما را لازم دارید؟ بر تنزل سطح غنا پافشاری می‌کنید؟ خیلی خب، ما موافقیم». به علاوه، خود روسای جمهوری‌اسلامی پیشنهاد می‌کنند دستگاه‌های کنترل و اندازه‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واحدهای هسته‌ای ایران نصب شوند. ایران حاضر است همه شرط‌هایی را که غرب طی ده‌ها سال بر آنها پافشاری می‌کرد، قبول کند. این شانس خوبی برای کسانی است که قدم به قدم می‌گویند که نه از روی ایران‌هراسی بلکه در راه امنیت بین‌المللی اقدام می‌کنند... ولی واقعیت چه شد؟ ائتلاف ضدایرانی «اصلاحات و متممات» مطرح می‌کند. اکنون برای رفع تحریم‌ها اجرای این خواست‌ها کافی نیست. از ایران می‌خواهند که برای مدت شش‌ماه همه پژوهش‌های هسته‌ای و هر نوع فعالیت اتمی را به حال تعلیق در آورد که بعد از آن چه می‌شود؟ شرط‌های مکمل جدیدی مطرح خواهند شد؟ دورویی ائتلاف ضدایرانی به قدری آشکار شده است که این ائتلاف اعتماد حتی متحدان خود از جمله لندن و برلین را از دست داده است. همین «کشف نقاب» آن در برابر مابقی جهان، یکی از موفقیت‌های اساسی روحانی است که «شیخ دیپلماسی» طی مدت اینقدر کوتاهی حاصل کرده است. دوم اینکه تلاش‌های روحانی در جهت برقراری گفت‌وگوی ایرانی - آمریکایی نه‌تنها روابط روسی - ایرانی را تضعیف نکرد بلکه این روابط را فشرده‌تر و ثمربخش‌تر کرده است. درباره گفت‌وگوی تلفنی باراک اوباما و حسن روحانی صحبت زیادی می‌کنند ولی گفت‌وگوی تلفنی اخیر روحانی و پوتین به همان اندازه مهم بود. روابط روسی - ایرانی از بوته آزمایشات «بحران سوریه» گذشت که با تشریک مساعی جلوی تجاوز غرب گرفته شد. امروزه پوتین و تیم دولتیان روس (لاوروف، شویگو، ایوانوف، کلوکولتسف، بورتنیکوف و دیگران) ایران را شریک مطمئنی در حل‌وفصل اوضاع خاورمیانه محسوب می‌کنند. اندیشه برگزاری کنفرانس بین‌المللی مسکو در جهت تشکیل منطقه عاری از سلاح‌های کشتارجمعی در خاورمیانه، در واقع طرح مشترک ایران و روسیه و یک سنگ دیگر در ساخت پایه‌های شراکت راهبردی بین دو کشور است. این شراکتی است که بدون آن شماری از مسایل منطقه‌ای که امنیت روسیه و جمهوری‌اسلامی ایران را از خزر تا افغانستان به چالش می‌کشانند، نمی‌تواند حل شود.

جمهوری‌اسلامی مکانیسم فوق‌العاده پیچیده‌ای است که بعضی برداشت‌های آن از اقتصاد و دموکراسی برای ما غیرعادی است. ایران یکی از معدود کشورهایی است که به‌طور پیگیرانه با توسعه‌طلبی امپریالیستی، صهیونیسم و افراط اسلامی مقابله می‌کند که همین امر بر تهدیدها و چالش‌هایی که در برابر ایران قد علم می‌کنند، می‌افزاید. جمهوری‌اسلامی ایران همانند هر مکانیسم پیچیده‌ای هرازگاهی به تصحیح جهت حرکت و روش‌های خود نیاز دارد ولی همیشه به آرمان‌های عدالت و توسعه مستقل وفادار است. صد روز اول حسن روحانی رییس‌جمهوری ثابت کرد که جهت‌گیری تصحیح مسیر حرکت، درست برگزیده شده است. یکپارچگی جامعه ایرانی در حول‌وحوش مقامات حاکم بر کشور و برخورد سنجیده و هوشیارانه ایرانیان با مسایل اصلاحات، باعث امیدواری می‌شود که جمهوری‌اسلامی‌ایران به حرکت خود به پیش ادامه دهد.